

آموزش تاریخ و باستان‌شناسی

دکتر عبدالرسول خیراندیش

باستان‌شناسی، دانشی نوین، ارزشمند و پیشرو در جهان امروز است. این شعبه از دانش بشری، براساس قواعد و روش‌هایی معین و با بهره‌گیری از علوم و فنون مختلف، به شناسایی آثار به‌جای مانده از گذشته، اکتشاف آن‌ها و سرانجام بهره‌گیری از آن‌ها به صورت اطلاعات تاریخی و نیز برپایی موزه‌ها می‌پردازد. در پرتو فعالیت باستان‌شناسان، دانش تاریخی ما بیشتر، دقیق‌تر و وسیع‌تر شده است. چنان‌که بسیاری از معلومات تاریخی ما در مورد دوران باستان مرهون تلاش آنان است. در کتاب‌های درسی تاریخ نیز مطالب بسیاری به اتکای دستاوردهای باستان‌شناسی وجود دارد. با این همه در این‌جا منظور بیان رابطه‌ی علم تاریخ با علم باستان‌شناسی نیست، بلکه مقصود کاربرد باستان‌شناسی در آموزش تاریخ است که این خود از چند طریق امکان‌پذیر است:

۱. باستان‌شناسی علم آثار است، به‌نحوی که بتوان با مشاهده‌ی آثار تاریخی به درک گذشته‌ها نائل آمد. دیدار از آثار باستانی و موزه‌ها، رکنی اساسی در آموزش تاریخ است، این امر تا آن اندازه مفید و ارزشمند است که باید حتماً بدان اقدام کرد. در تدوین برنامه‌ها و متون آموزشی تاریخ، لازم است ترتیبی اتخاذ شود که بازدید از موزه‌ها و آثار تاریخی غیر قابل استتکاف باشد، وزارت آموزش و پرورش نیز لازم است، در فعالیت‌های خویش این مهم را مدنظر قرار دهد و انجام آن را در بودجه و برنامه‌های مدارس پیش‌بینی کند.

۲. آثار تاریخی برای عامه‌ی مردم نوعی مواد بصری از دانش تاریخی محسوب می‌شوند. در واقع، آثار تاریخی وجه ملموس گذشته‌ها هستند که به‌طور مستقیم از گذشته به حال وارد شده‌اند و نیز بهترین راوی اخبار گذشته‌ها به شمار می‌آیند. این امر که توأم با ایجاد اعتماد کامل در بیننده‌ی آثار تاریخی درخصوص اصالت و قدمت آن‌هاست، موجب می‌شود در بیننده علم و احساس درخور توجهی شکل

گیرد. به همین دلیل، آثار تاریخی به نمادهای ملی و از جمله مهم ترین عوامل هویت بخش در فرهنگ یک ملت مبدل می شوند. لذا اثری که مشاهده ی آثار تاریخی در دانش آموزان ایجاد می کنند و موجب برانگیختگی احساس، پرورش قوه ی تخیل و سرانجام احساس غرور، اعتماد به نفس و تقویت شور وطن خواهی می شود، کمتر از کتاب درسی نیست.

۳. آثار تاریخی بخشی مهم از میراث فرهنگی هستند. از این منظر، آثار تاریخی سرمایه ی بی بدیل کشور محسوب می شوند که علاوه بر ارزش های علمی، فرهنگی و آموزشی، از عرصه های مهم فعالیت های اجتماعی و اقتصادی نیز به شمار می آیند. گردشگری که امروزه در زندگی اجتماعی و اقتصادی کشورها نقش مهمی ایفا می کند، با بازدید از آثار تاریخی و مشاهده ی آن ها همراه است. بهترین راه فرهنگ سازی برای حفظ آثار تاریخی، توجه کامل به باستان شناسی و بازدید از موزه ها و آثار تاریخی در درس تاریخ است.

۴. توجه به باستان شناسی در آموزش تاریخ باید به این نتیجه مهم منتهی شود که هر پدیده ای را می توان به عنوان یک شیء تاریخی (بدین معنی که گویای واقعی از تاریخ است) تلقی کرد. آثار تاریخی، فقط بناهای بسیار ارزشمند از نظر معماری، هنر، قدمت و عظمت نیستند، بلکه در هر کوچه و خیابانی، هر مدرسه و مسجدی، هر آن چه را که مصنوع دست و فکر بشر است، حتی ظروف و وسایل خانگی یا ابزار و لوازم شخصی را، با دیدی تیزبین و تحقیقی، می توان اثر تاریخی دانست. دانش آموز لازم است بیاموزد که حتی وسایل شخصی و آلبوم او ممکن است به عنوان «یادگاری»، درآید و گویای بخشی از تاریخ زندگی او و یا تاریخ خانه و مدرسه، شهر و روستا باشد. در این صورت، **باستان شناسی در آموزش تاریخ به درستی دیده شده است و هر انسانی، از مشاهده ی یک شیء یا اثر، به درک قابل توجهی از تاریخ نائل می آید.**

۵. کاربرد باستان شناسی در آموزش تاریخ سرانجام باید

به این نتیجه ی مهم برسد که: هم چنان که مصنوعات بشر با باقی ماندن و گذشت سال ها، به آثار تاریخی مبدل شده اند، مصنوعات امروزی ما نیز می توانند بمانند و سرانجام به آثار تاریخی مبدل شوند. این سخن بدان معناست که هر نسلی باید چنین بیندیشد که لازم است، اثری درخور توجه از خود برای آینده باقی بگذارد تا تولید آثار تاریخی

استمرار یابد. نتیجه ی منطقی این باور آن خواهد بود که هر انسانی در هر رشته ای

که فعالیت می کند، کار خود را به خوبی و درستی و در نهایت دقت انجام دهد تا کاری ماندگار کرده باشد. و نیز، آن چه را که ارزشمند است باید فقط نگه داری کرد تا به دست آیندگان برسد. این نتیجه ی اخلاقی و تربیتی مهم اگر مورد توجه همگان و به خصوص معماران، مهندسان، شهرداران، برنامه ریزان و مدیران ارشد دستگاه ها و صاحبان علم، اندیشه، هنر و فن قرار گیرد، آیا: اولاً موجب بهبود زندگی کنونی ما نخواهد شد؟ و آیا نسل آینده را مفتخر به آثار تاریخی بیشتری از گذشتگان خود (یعنی ما) نخواهد ساخت؟